

و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند نکاح مکنید مگر آنچه که پیشتر رخ داده است چرا که آن زشتکاری و [مایه] دشمنی و بد راهی بوده است (سوره النساء، آیه ۲۲)



رابطه فقه با قانون و عرف

قسمت دوم

تبع و نگارش: محمد اسحاق «کپهان»
2- عصر صحابه و تابعین: بعد از وفات رسول خدا صحابه با تکیه بر احکام شرعی که از رسول خدا دریافت کرده بودند و با استفاده از تجربه زنده‌ای که در اثنا نزل وحی و در اسباب نزول و تکیه بر ملکه روشنی که از تربیت نبوی و شناخت حکمت تشریح و ادراک مقاصد شریعت دیده و بدست آورده بودند و وظیفه خود را به بهترین نحو به انجام رساندند.

اصحاب و جانشینان آن؛ به ممارست و کنجکاوی به فقه می‌پرداختند و احکام را به مردم می‌آموختند و به کتاب خدا رجوع می‌کردند اگر حکم را در قرآن می‌یافتند، به آن عمل کرده بسنده بر آن می‌نمودند، اگر حکم را در قرآن نمی‌یافتند به سنت مراجعه می‌کردند و در مورد آن مسایل از کسی که در مورد حکم آن به چیزی از رسول خدا می‌دانست و یاد داشت سوال می‌کردند و اگر گم شده خود را در سنت می‌یافتند ملتزم به آن می‌شدند، اگر در آن نمی‌یافتند به بحث و بررسی و نظر واجتهد و در استنباط حکم خدا به طریق قیاس و قواعد عمومی احترام می‌کردند و اگر بر امری با هم توافق می‌رسیدند، آن اجماع می‌شدند. اگر بر چیزی به توافق نمی‌رسیدند، آن مسئله هم‌چنان در جایگاه اجتهاد و استنباط باقی.

این تصویر کامل از عصر نبوی و عصر صحابه به تابعین منتقل شد و فقهای تابعین اجتهادات و آرای خاص خود را در مورد مسایل جدید را با آن‌ها اضافه نمودند.

در زمان تابعین در نیمه قرن اول هجری تا آغاز قرن دوم فقهای بزرگ و مجتهدان به ظهور رسیدند و هفت فقیه مدینه به شهرت رسیدند که عبارت اند از: سعد بن مسیب، اروه بن زبیر، قاسم بن محمد، حارثه بن زید، ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام، سلیمان بن ایسار، عبدالله بن عبدالله بن عتبّه بن مسعود در کنار آنان در مدینه نافع غلام آزاد شده عبدالله بن عمر و عده دیگر در بصره حسن بصری در مکه اکرمه مولای بن عباس و عطا بن رباع و طاوس در دمشق و در مصر لیث بن سعد به ظهور رسیدند.

3- عصر طلایی عباسی: در این دوره از اوایل قرن دوم هجری آغاز و در میانه قرن چهارم پایان می‌یابد. درین عصر دولت اسلامی در کلیه مراتب علمی و اقتصادی درخشیدن گرفت دانش فقه توسعه یافت و مکاتب گوناگون فقهی به وجود آمد که بر خی از آن‌ها با از بین رفتن پیروان شان از میان رفتند و برخی از این مذاهب پایداری نشان داده به تدریج رواج یافتند و از مذاهب سنی چهار مکتب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی اشتهار پیدا کرد. هم‌چنین در این عصر مجموعه‌های بزرگ حدیث تدوین گردید و تفسیرهای بر قرآن نوشته شد و در اصول و فروع فقه تصانیف گوناگون بوجود آمد، درس دانش و فقه بر اساس دانش‌های مختلف مانند دانش تفسیر و دانش مصطلح به حدیث و اصول و فروع قرار گرفت.

4- عصر انحطاط و تقلید: از اواخر دوران حکومت عباسیان روشنی‌های دانش فقه از تابش بیفتاد و فقیهان به تدوین مذاهب پرداختند و اجتهاد خود را پسایل فرعی منحصر ساختند. پس از سقوط بغداد در میانه‌های سال هفتم هجری فقیهان سنی از ترس اینکه در کار خود از حدود شریعت بیرون شوند و به ستمکاری گرایند، به مذاهب اربعه معروف اکتفا و به انسداد باب اجتهاد اجماع کردند. پس تمدن عرب آرام آرام به قهقری رفت و از هر سو به جمود گرفتار شد؛ بیماری تقلید و پیروی‌های کورکورانه شیوع یافت و اجتهاد در فقه راکد شد و فقها به مختصر کردن کتب شرعی و سپس به شرح این کتاب‌های مختصر و نیز کتاب‌های فتوی پرداختند با وجود این عده‌ای از متاخران کتاب‌های پرارزشی در فقه از خود بیادگار نهادند و بسیاری از آثار پیشوایان نخستین را از این راه حفظ کردن.

5- عصر نهضت: در عصر تقلید که وصف آن گذشت بدعت‌ها و خرافه‌های ناشی از پندار و نادانی فراوانی یافت و طرز تفکر مردم به جمود گرائید کار به آن‌جا کشید که به آراء و نظریات برخی از قدما مقید و وابسته شدند و روح اصلی شریعت را از دست دادند. از این رو برخی از فقها اسلامی به این تقلید تن در ندادند و به لزوم اجتهاد و مراجعه به مصادر اصلی فقه (کتاب و سنت) آشکارا پرداختند در نتیجه فقه اسلامی بر اساس نصوص و مدارک اصلی و بر پایه نیازمندی‌های تمدن امروزی مورد بررسی قرار گرفت. **ادامه در صفحه ۲**

وزیر عدلیه با سفیر هالند در کابل گفتگو کرد

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



هماهنگی میان نهادهای عدلی و حقوق بشری در زمینه تطبیق قوانین را مهم خواند. فضل احمد معنوی، وزیر عدلیه کشور نیز در این دیدار بر ضرورت تطبیق عدالت برای قربانیان تاکید کرد و از تلاش برای ایجاد هماهنگی میان نهادهای عدلی و حقوق بشری اطمینان داد.

تامین حقوق شهروندان از کانال‌های حقوقی عدالت رسمی و غیر رسمی و همخوانی قوانین افغانستان و قوانین بین‌المللی گفتگو کردند. سفیر هالند در کابل به تطبیق عدالت و رسیدگی به قربانیان جنگ در افغانستان تاکید کرد و گفت که نباید حقوق قربانیان جنگ از روی میز مذاکرات صلح برداشته شود. او همچنین

قضاوتپوه فضل احمد معنوی، وزیر عدلیه کشور صبح امروز سه‌شنبه، ۱۱ قوس با خانم ویگرس گاسیلیا تیودورا ماریا، سفیر کشور شاهی هالند در کابل، در دفتر کارش دیدار و گفتگو کرد.

دو طرف در این دیدار درباره توجه به حقوق قربانیان جنگ در مذاکرات صلح، در نظر گرفتن موارد حقوق بشری در طی مراحل قضایا،

شروط مبطل و باطل ضمن عقد ازدواج

قسمت دوم

تبع و نگارش: صفاء الرحمن «سبغی»
نماید و مانند آن. شایسته ای یادآوری است که شرط فاسد در صورت مفسد عقد است که ضمن عقد معاوضی باشد.

علت یا سبب فساد شرط:

پرسشی مطرح میشود این که چرا چنین شرط فاسد و مفسد عقد است؟ اگر شرط، منفعتی برای بایع یا مشتری نداشته باشد، کسی آن را ضمن عقد نمی آورد، اصلاً شرط را نمی آورد که منفعتی کسب کند؛ شاید بتوان گفت فلسفه شرط ضمن عقد این است که یکی از متعاقبین منفعت و امتیازی برای خود به دست آورد، پس چرا چنین شرط و عقدی فاسد است؟ تا آنجا نگارنده تحقیق کرده، به این نتیجه رسیده است که دو امر باعث شده که فقیهان حنفی، چنین شرایط را فاسد و مفسد عقد بدانند، در نهایت آن دو امر، به یکی منتهی می شوند. دو امری که باعث فساد عقد می شوند عبارتند از:

ربا یا شبهه ربا: عقد یا میبعی که در آن، ربا یا شبهه ربا باشد، فاسد است. عقدی که متضمن شرطی است که منفعت را برای یکی از متعاقبین یا میبوع یا شخص ثالث ایجاد میکند و مشروط له میتواند مشروط به را از مشروط علیه مطالبه نماید؛ اما از آنجا که مشروط به عقیده فقیهان حنفی، منفعت زیادی است که در مقابل آن، عوضی پرداخت نشده، ربا است، یا اینکه در آن، شبهه ربا وجود دارد، نتیجه گیری میکنند که شرط و عقد هر دو فاسد است.

ادامه در صفحه ۲

عقد مقتضی آن نبوده یا حکم عقد را مؤکد نگرداند، همچنان شرط که موافق با تعامل جاریه نبوده و یا در آن فریب به کار رفته باشد، شرط فاسد پنداشته می شود.

شرط فاسد مفسد عقد که منفعت برای میبوع داشته باشد؛ مانند اینکه میبوع عبد باشد و در عقد شرط شود که عبد را به کسی دیگر هبه یا نفروشد. به عبارت دیگر، میبوع را از ملک خود خارج نکنند، یا اینکه شرط کند که میبوع را از شهر معین خارج نکنند، یا اینکه میبوع را مدبر، یا مکاتب نماید، یا شرط نماید که میبوع را آزاد کند. شرط که منفعت برای بایع داشته باشد؛ مانند اینکه در ضمن عقد شرط نماید که میبوع پس از فروش، برای مدت معین، در خدمت بایع باشد؛ مانند اینکه خانه ای را بفروشد و شرط نماید که مدتی معین بایع در آن ساکن باشد و مانند آن.

شرطی که منفعت برای مشتری داشته باشد؛ مانند اینکه پارچه ای را خریداری نموده و ضمن عقد بیع شرط نماید که بایع، پارچه ای را برای مشتری، لباس درست نماید، یا چیزی دیگری خریداری نماید و شرط کند که بایع، میبوع را تا منزل مشتری حمل نماید و مانند آن.

شرط که منفعت برای شخص یا اشخاص ثالث داشته باشند؛ مانند این که قطعه زمینی را بفروشد و ضمن عقد شرط کرده باشد که در آن، مسجد بناء کند، یا مثلاً آسایشگاه معلولین یا منزل برای ایتام درست

2- شرط فاسد مفسد عقد شرطی که ضمن عقد معاوضی گنجانده شود؛ ولی مقتضای عقد نباشد، با مقتضای عقد سازگاری نداشته باشد و در عرفی تعاملی هم مرسوم نباشد، منفعت برای هیچ کس نداشته باشد؛ مانند اینکه حیوان یا لباسی را خریداری نماید و شرط شود که به کسی نفروشد. چنین شرطی، چون منفعت برای کسی ندارد، فاسد است؛ اما خود عقد صحیح است. ماده ۶۰۸ قانون مدنی درین مورد، بیان میدارد: «شرطی که در آن، نفع عاقدین نباشد، ملغاً بوده و عقد مقارن به آن، صحیح پنداشته میشود.»

شرطی که ضمن عقد غیر معاوضی گنجانده شود، اعم از اینکه منفعت برای کسی داشته، یا نداشته باشد، چنین شرطی فاسد است؛ اما خود عقد صحیح است.

شرط فاسد در صورت مفسد عقد است که در عقود معاوضی باشد. بنابراین، شرط فاسد مفسد عقد عبارت از هر شرطی که مقتضای عقد نباشد، با مقتضای عقد سازگار نباشد و در عرف تعاملی نیز مرسوم نباشد؛ ولی دارای منفعت برای بایع یا مشتری یا میبوع (در صورت که میبوع استحقاق آن را داشته باشد)، یا شخص ثالث باشد و ضمن عقود معاوضی آمده باشد. از آنجا که قانون گذار در بحث شرط از فقه حنفی پیروی نموده، مطالب یاد شده، به طور کامل در ماده ۶۱۰ قانون مدنی آمده که بیان میدارد: «شرط غیر مناسب با عقد یا شرط که

تنفيذ جبری فيصله های ...

وزیر عدلیه با رییس موسسه بین المللی صدای جینوا در افغانستان...



از طرفی هم وزیر عدلیه کشور در این دیدار از توضیحات خانم کلارا میکالووا درباره فعالیت‌های موسسه بین‌المللی صدای جینوا در افغانستان ابراز سپاس کرد. او در عین حال پرسش‌هایی را در زمینه مؤثریت و ضمانت اجرایی برنامه‌های این موسسه مطرح کرد که از سوی رییس این موسسه به صورت عمومی پاسخ در باره آن اشاره شد.

هرگاه که فیصله های قطعی و نهائی محاکم در مورد اثبات یک دین علیه مدیون صادر میگردد مراجع تحصیلی و تطبیقی (اداره حقوق در مرکز و ولایات) مکلف اند تا وظیفتماً به تحصیل وجه حکم شده در فیصله از محکوم علیه اقدام نمایند، اگر محکوم علیه به رضایت خود آنرا تادیه میدارد و یا به موافقه محکوم له آنرا قسط و یا مهلت مینماید مجوز قانونی داشته، اما اگر به وجود توان و قدرت از حکم محکمه نمرد مینماید و حاضر به پرداخت وجه محکوم شده نمی باشد آنگاه تطبیق حکم و تنفیذ آن طبق ماده (۴۱) قانون طرز تحصیل حقوق که چنین مشعر است:

(۱) محکوم علیه بعد از اصدار حکم قطعی و نهائی محکمه، مکلف به رعایت مندرجات نص حکم در خلال مدت پانزده روز می باشد.
(۲) هرگاه محکوم علیه ار رعایت حکم قطعی و نهائی محکمه در خلال مدت مندرج فقره (۱) این ماده بدون عذرموجه امتناع ورزد، اداره حقوق مطابق احکام این قانون در خلال مدت بیست روز به تنفیذ اجباری آن توسط هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون اقدام می نماید.
هیئت تطبیق حکم محکمه در ماده چهل و پنجم قانون طرز تحصیل حقوق قرار ذیل میباشد.

۱- هیئت تطبیق حکم قطعی و نهائی محکمه مرکب از نماینده گان با صلاحیت حارنوالی، پولیس، اداره محلی و شاروالی تحت ریاست اداره حقوق می باشد.
در صورت ضرورت به تشخیص اداره حقوق اهل خبره و سایر ادارات دولتی نیز دعوت شده می توانند.
۲- هرگاه تطبیق حکم قطعی و نهائی محکمه در مورد قضایای املاکی باشد، نماینده با صلاحیت ادارات اراضی و املاک نیز در ترکیب هیئت مندرج فقره (۱) این ماده دعوت می گردد.

همچنان ماده (۸۳۷) قانون مدنی در زمینه چنین حکم مینماید: «هرگاه مدیون از پرداخت دیون مستحق الاداء امتناع ورزد چنین ظاهر شود که دیون از مال او بیشتر بوده و خوف ضیاع دارائی وی نزد دائنین موجود باشد و یا مدیون دارائی خود را مخفی ساخته و یا بنام شخص دیگر قید نموده باشد مفلس شناخته می شود.» که در چنین حالت طبق ماده (۸۴۸) قانون مذکور که چنین مشعر است « هرگاه شروط مندرج ماده (۸۴۷) این قانون در مورد مدیون در حوزه قضائی آن قرار دارد حجر تصرف مدیون را در حال مطالبه نماید این مطالبه در دفتر ثبت میگردد، هر نوع تصرف مدیون بعد از ثبت مطالبه از اعتبار ساقط پنداشته میشود.»

که در زمینه ایفای دین از طریق تنفیذ اجباری، ماده (۴۳) قانون طرز تحصیل حقوق قرار ذیل تسجیل گردیده است.
(۱) هرگاه دین ثابت ذمت مدیون مطابق احکام این قانون تحصیل شده نتواند، تحصیل دین از طریق تنفیذ اجباری صورت می گیرد.

(۲) تنفیذ اجباری روی اموالی صورت می گیرد که شامل احتیاج اولیه مدیون نباشد. این تنفیذ به اساس پیشنهاد اداره حقوق استیذان محکمه ذیصلاح صورت می گیرد.
(۳) اموال مندرج فقره (۲) این ماده متناسب به دین دائن توسط هیئت مندرج ماده چهل و پنجم این قانون در حضور مدیون یا نماینده قانونی وی از طریق داوطلبی به فروش رسیده، ازوجه بدست آمده، دین مدیون اداء می شود.

قابل تذکر دانسته می شود که مدیون حق (دین ثابت) خود را به استناد احکام مذکور قانون از طریق تنفیذ اختیاری و یا تنفیذ اجباری بدست آورده این زمانست که دین عندالمحکمه ثابت و محاکم به آن اصدار حکم قطعی و نهائی نموده باشند هرگاه حکم محکمه قطعی و نهائی نباشد اداره حقوق بمنظور اتخاذ تدابیر احتیاطی میتواند، غرض توصل به اقدامات مندرج فقره (۱) ماده چهل و چهارم همانا جلو گیری از انتقال یا فروش دارائی های مدیون قبل از تنفیذ اجباری در خلال مدت (۱۰) روز کاری استیذان محکمه ذیصلاح را اخذ نماید.

در تطبیق فیصله های نهایی محاکم و تقویت سیستم ثبت قضایا...



خانم عادلای از حمایت مقامات و رؤسای وزارت عدلیه به رییس عمومی حقوق اطمینان داده و توفیقات بیشتر شان را در راه خدمت به مردم استدعا نمود. از طرفی هم، امان‌الله احمدزی از اعتماد مقام محترم و زارت عدلیه نسبت به خود تشکر کرده و وعده نمود که در قسمت حل مشکلات این ریاست از هیچ دانشگاه اوهایوشمالی امریکا به دست آورده است.

گزارش توحیدی اجراءات سلامت ریاست عمومی حقوق و واحد های ولایتی بابت سال مالی ۱۳۹۹

متکی به ماده (۶۴) قانون طرز تحصیل حقوق راپور اجراءات ریاست عمومی حقوق و واحد های ولایتی تهیه گردیده است

| شماره | ولایت/اوسوال | عرایض وارده | اجراءات که به ارتباط عرایض وارده صورت گرفته و به ادارات که راجع گردیده | | نوسیه های وارده | اجراءات که به ارتباط نوسیه های وارده صورت گرفته و به ادارات که راجع گردیده است | تطبیق شده | تطبیق نشده | مجموع در جریان حقوق | مجموع در جریان حقوق | مجموع در جریان حقوق | مجموع در جریان حقوق | | | | | | | | | | | | | | |
|-------|--------------|-------------|--|-----------------|-----------------|--|-----------|------------|---------------------|---------------------|---------------------|---------------------|-----------|------------|---------------------|---------------------|---------------------|---------------------|-------|------|-----|------|-----|---------|----------|---------|
| | | | عرایض وارده | نوسیه های وارده | | | | | | | | | تطبیق شده | تطبیق نشده | مجموع در جریان حقوق | مجموع در جریان حقوق | مجموع در جریان حقوق | مجموع در جریان حقوق | | | | | | | | |
| ۱ | ۲۴ ولایت | ۱۹۱۳۱ | ۱۳۴۸۱ | ۸۰۹۵ | ۴۱۲۱۷ | ۱۱۴۳۷ | ۲۵۳۹ | ۷۵۹۰ | ۱۶۸۱۲ | ۴۰۸۲۱ | ۱۸۳۳۹ | ۹۴۱۰ | ۷۹۰۷ | ۳۵۷۰۶ | ۹۷۹۷ | ۵۷۸۹ | ۳۵۵۴ | ۱۰۳۰۴ | ۳۵۳۴۵ | ۱۸۱۲ | ۴۴۰ | ۱۰۰۳ | ۲۹۹ | ۱۶۸۵۷۱۸ | ۱۱۴۳۸۰۰۴ | ۸۸۸۰۷۸۲ |

مصادیق قباحتات در حقوق افغانستان

قسمت ششم

محبوب الرحمن «سیفی»

تان استوار شده) به قبرستان بروید؛ زیرا

مرگ را به یاد شما می اندازد.»

امام مسلم از بریده روایت می نماید که رسول خدا صلی الله علیه و سلم به آنان می اموخت که هرگاه به میان قبرستان می روند، بگویند: «السلام علیکم اهل الدیار المومنین و المسلمین، انا انشاء الله بکم لاحقون، نسال الله لنا و لکم العافیة»؛ «درود و سلام خداوند بر مومنان و مسلمانان ساکن این سرزمین ما نیز انشاء الله به شما محلق خواهیم شد و سلامت و عافیت را برای خود و شما از خداوند خواستاریم». و در روایتی دیگر اضافه بر آن آمده است: «اللهم لا تحرمننا اجرهم و لا تفتننا بعدهم و اغفرلنا و لهم». «خداوند ما را نیز از اجر آنان بی نصیب مکن و پس از آنها ما را دچار فتنه و آزمایش مگردان و ما و آنان را مورد مغفرت خویش قرار بده».

از سوی دیگر مستحب است که قبرها در یک جا (طور جمعی باشند) و از دفن انفرادی خود داری گردد، همچنان قبرها در جای باشند که خوف بازکردن آن توسط حیوانات ممکن نباشد. همچنان در مکان های عمومی که محل تردد و یا به خاطر امور دیگر اختصاص یافته است نباشد. زیرا حقوق قبرها مراعات نمی گردد و باعث آزار و اذیت میشود. کد جزا افغانستان دفن کردن جسد میت را در مکان های عمومی ناجایز و غیر اخلاقی دانسته و برای کسانیکه چنین کار را میکنند مجازات و عقوبات خاص مقرر داشته است. ماده ۹۱۰ کد جزا چنین تصریح میکند: «شخصی که جسد انسان را در محل غیر مجاز دفن نماید، به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی، محکوم میگردد.» محل غیر مجاز عبارت از محل است که برای امور اجتماعی مانند پارک ها، جاده ها و غیره اختصاص داده شده می باشد. یا محل که برای قبرستان اختصاص نیافته باشد و ملکیت عامه باشد محل غیر مجاز گفته میشود. مانند صحن مکتب، شفاخانه، مسجد و غیره.

تعقیب جرایم قباحتی:

طوریکه قانون اساسی افغانستان در ماده ۱۳۴ بیان میدارد: « کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف سارنوالی مطابق به احکام قانون صورت میگردد.» ذکر جرایم در ماده فوق عامه است و شامل جرایم جنایات، جنحه و قباحت میشود. پولیس مکلف است تا جرایم قباحتی را کشف نماید، مطابق حکم قانون اشخاص متخلف را به مرحله تحقیق و محاکمه معرفی نماید. اشخاص و افراد متضرر نیز میتوانند به ارگان های ذیل صلاح از وقوع جرم قباحتات و متضرر شدن شکایت نمایند. جرایم قباحتی دارای ماهیت حق الله است، یعنی ارتکاب این جرم باعث خدشه دار ساختن نظم و اصول اجتماعی میشود. اکثر جرایم قباحتی خسارت را به شخص معین وارد نمی کند اما به ذهن و افکار جامعه وارد میکند. پس قباحتات حق الله محض بوده و هدف مجازات کردن مرتکبین این جرم جلوگیری از وقوع جرایم دیگر، تحکیم و تثبیت نظم قانونی و عدالتی در جامعه می باشد.

منابع

قرآنکریم

احادیث

کود جزا

مسئولیت جزای مولف اشرف رسولی

مزاحمت عابرین:

مزاحمت عابرین نیز نوعی از جرایم قباحتی پنداشته شده است. راه روها، و مکانهای عمومی بخاطر گذاشته شده اند که اتباع یک جامعه بر اساس حق اجتماعی خود بودن کدام محدودیت و موانع مضره استفاده نمایند. ایجاد محدودیت از اشخاص غیر مسئول یا گذاشتن اشیای مضره خود تجاوز به این حق دانسته میشود. ایجاد ضرر یا محدودیت استفاده از حق عبور و مرور اشخاص بوسیله یا از طریق هر چیزی که باشد؛ مانند انداختن اشیای فضولی، آویزان کردن اشیایی ضرر رسان که در صورت افتیدن باعث ضرر به غیر گردد و انداختن اشیای جامد، مایع و گاز بر انسان، مقبوح و ناجایز است. کد جزای افغانستان چنین اشخاص را که باعث اذیت و آزار دیگران بشوند مجرم دانسته؛ برای سرزنش و توبیخ شان مجازات خاص را مقرر داشته است. ماده ۹۰۹ کد جزا در این باره تصریح میدارد: «اشخاص ذیل، به جزای نقدی پنج هزار افغانی، محکوم میگرددند:

شخصی که بدون احتیاط لازم در راه عام موادی را بیاندازد که باعث اذیت عابرین گردد یا بدون احتیاط لازم در راه عام یا خاص اشیایی را آویزان کند که افتیدن آن باعث آزار و اذیت مردم شود. شخصی که بدون احتیاط لازم مواد جامد، مایع یا گاز را بر انسان بیاندازد گر چه در نتیجه آن کدام صدمه جسمی به شخص عاید نگردد.» انداختن مواد یا اشیای بدون احتیاط ممکن است از بلند منزلی باشد یا دکان و جاهای دیگر به مکانی که تردد اشخاص زیاد بوده و بخاطر همین عبور و مرور ایجاد شده است، مثلاً بلند منزلی در حال اعمار شدن است اما بدون رعایت قواعد ایمنی اشیا را بالا و پایان میزنند هرگاه اشیا افتد و سبب ضرر به عابرین گردد، صاحب تعمیر مکلف به پاسخدهی است.

اشیای جامد، مایع و گاز که بر انسان انداخته شود، معمولاً با ترصد قبلی و سوء نیت می باشد، بخاطر اینکه بدون نیت و دلیل هیچ شخص عاقل چنین کاری را مرتکب نمی شود. ممکن از روی حسادت باشد، دشمنی سابقه باشد، پرخاشگری و رفتاری غیر اخلاقی دیگری بوده باشد. در هر حالت که باشد چنین کار ناجایز و ممنوع است. انجام دهنده آن باعث اذیت و آزار دیگران شده باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرد، ارگان های کشفی مسولیت دارند تا شخص ضار را دستگیر و به پنجه قانون بسپارند.

دفن جسد انسان در محل غیر مجاز کرامت و شخصیت انسانی ایجاد میکند که جسد انسان میت را در جای مخصوص، مطمئن، ملکیت غیر و محل ممنوعه نبودن دفن نمایند. گشت و گزار بالای قبرها و استفاده از قبرستان ها در امور دیگر جواز ندارد مگر اینکه مدت طولانی گذشته و نیاز عامه بوده باشد. اهل قبور دارای یک سلسله حقوق بر بالای زندها اند، از جمله دعا به برایشان و جلوگیری از گشت و گزار یا ساختن را عبور و مرور (بالا کردن از زیر پاها). ناگفته نباید گذاشت که رفتن به میان قبرستان مانعی ندارد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده اند: «من پیش تر (به خاطر نزدیک بودن) تا به زمان جاهلیت و امید جلب منفعت و دفع مضرت از مردگان) شما را از رفتن به قبرستان منع نمودم. اما اکنون (که ایمان

وزیر عدلیه: ظرفیت کارمندان وزارت را تقویت می کنیم



حاکمیت قانون قرار گرفته و قرار است به زودی و پس از شریک‌سازی مستقیم با رییس جمهور اجرایی شود. در این محفل برای فارغان ستاژ حقوقی داخل خدمت وزارت عدلیه سند فراغت توزیع شد. وزیر عدلیه از آنان خواست که با جدیت تمام کار کنند. در دور اول ستاژ حقوقی داخل خدمت وزارت عدلیه که برای چهارونیم ماه در مرکز برگزار شده بود، ۲۵ تن از اعضای مسلکی ریاست‌های عمومی حقوق، قضایای دولت و مساعده‌های حقوقی این وزارت، اشتراک کرده بودند. این ستاژها امسال در ولایات زون شمال و شمال‌شرق در بلخ و بدخشان هم برگزار شده که ۶۵ تن از اعضای مسلکی ادارات حقوق و قضایای دولت در آن اشتراک کرده اند.

رابطه فقه با قانون و...

نمی‌شود؛ بلکه برای همه مردم یا عده ای از آن‌ها بدون استثناء و تخصیص وضع می گردد و از این حیث با حکم قاضی مغایرت دارد . هم‌چنان از ارجاع مسایل مختلف به سوی خدا و رسول ثبوت پیروی از قیاس که فاقد نص شرعی باشد فهمیده می‌شود. امام احمد در مسند خود حدیثی روایت می‌کند که: « ان النبی صلی الله علیه و سلم قال لمعاذ بن جبل حین بعثه الی الیمن فذکر کیف تقضی ان عرض لک قضاء ؟ قال اقاضی بکتاب الله قال فان لم یکن فی کتاب الله قال فسنه رسول الله صلی الله علیه وسلم قال فان لم یکن فی سنه رسول الله صلی الله علیه وسلم قال اجتهد برأیی ولا آلو قال فضرب صدی فقال الحمد لله الذی وفق رسول رسول الله صلی الله علیه و سلم لما یرضی رسولہ .» پیامبر صلی الله علیه و سلم حینی که حضرت معاذ بن جبل را به یمن به صفت قاضی می فرستاد برایش گفت: اگر مسئله قضایی برایت پیش شود چگونه حکم می‌کنی؟ گفت: به کتاب خداوند حکم می‌کنم اگر در او نیافتم به سنت پیامبرش حکم می‌کنم اگر در سنت هم حکمی را نیافتم اجتهاد می‌کنم. پیامبر صلی الله و علیه و سلم به سینه اش زد و فرمود (الحمد لله) ستایش خدا راست که فرستاده رسول خدا را موفق گردانیده به آنچه که رسول خدا به آن راضی می‌شود. شکر گزاری پیامبر صلی الله علیه وسلم و ستایش آن معاذ را در موضوع اجتهاد دلیلی برای حجیت اجتهاد و قیاس می‌باشد. نوع دیگری از مصادر تشریح اسلامی مصادری اند مختلف فیه که علما و مجتهدین در مورد استدلال به آن‌ها اختلاف نظر دارند و آن‌ها عبارت اند از :۱- استحسان۲- مصالح مرسله ۳- استصحاب الحال۴- عرف ۵- مذهب صحابی ۶- شرایع گذشته (شرع من قبلنا) این نوع دلایل از جمله مصادری هستند که عده از علما به آن‌ها استدلال می‌کنند و برخی دیگر به استدلال کردن از آن‌ها قایل نیستند.

کیفیت تقویت شود و علاوه بر کارمندان داخل وزارت، کارمندان دیگر ادارات دولتی و خصوصی نیز شامل آن شوند. به گفته وزیر عدلیه، فرصت‌سازی برای آموزش و تحصیل زمینه تغییر را فراهم می‌کند و او نیز متعهد به آوردن تغییرات اساسی در این وزارت است. او در عین حال تصریح کرد که برنامه او برای تغییر و نوآوری، استفاده از ظرفیت‌های موجود و تقویت آن‌ها است. او گفت که این وزارت در گذشته تفاهم و گفتگوهای با پوهن‌خ‌ی شرعیات پوهنتون کابل در بخش آموزشی و تحصیلی انجام داده و قرار است با پوهن‌خ‌ی حقوق نیز گفتگو و تفاهمی صورت گیرد. قضاوتپوه فضل احمد معنوی همچنین گفت که طرح اصلاحی وزارت عدلیه مورد تصویب و حمایت شورای عالی

وزارت عدلیه برای ۲۵ تن از فارغان ستاژ حقوقی داخل خدمت این وزارت که دوره چهارونیم ماهه آموزشی را سپری کرده‌اند، سند فراغت توزیع کرد. محفل توزیع سند فراغت به ستاژران حقوق وزارت عدلیه بروز پنج شنبه مؤرخ ۲۷ قوس با حضور قضاوتپوه فضل احمد معنوی وزیر عدلیه و معینان و روسای این وزارت برگزار شد. آقای معنوی در این محفل تأکید کرد که ارتقای ظرفیت کارمندان به ویژه برگزاری ستاژهای حقوقی و تقنینی از موضوعات حیاتی در این وزارت است و توجه به این بخش پس از رسیدگی به مشکلات ادارات حقوق و قضایای دولت، در اولویت کار قرار دارد. وی افزود که تلاش می‌شود تا ستاژ حقوقی هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ

قانون: قانون مسیری است که توسط حکومت و جامعه برای رشد انسان و جامعه تعیین می‌شود. قانون از دو کلمه یونانی canon است که به فرانسه loi و به انگلیسی law ترجمه می‌شود . به عباره دیگر کلمه قانون یونانی است که از راه زبان سریانی وارد زبان عرب شده و در اصل به معنی خط کش به کار رفته و بعد به معنی قاعده برگشته است و امروز در زبان‌های اروپایی به معنی شریعت کلیسایی استعمال می گردد. قانون در لغت عرب مقیاس و معیار هر چیزی را گویند که به تعبیر کلی تر در آمده و به هر قاعده کلی الزامی اطلاق شده است. در اصطلاح کمتر مورد استعمال فقیهان مسلمان بوده است و آنان به جای قانون کلمات شرع، شریعت و حکم شرعی را به کار برده اند و به زودی در این خصوص سخن به میان خواهد آمد در حال حاضر، قانون سه معنی اصطلاحی زیر را افاده می‌کند : معنای اول: عمومی است، منظور از آن کلیه قوانین مدون یا همه احکام شریعت می‌باشد. از باب مثال: « قانون جزای عثمانی» قانون موجبات و عقود و غیره.. معنای دوم؛ آن شرع و شریعت به معنی اعم است، مثلاً: قانون انگلیسی یا درس قانون و نظایر آن. کلمه شرع و شریعت در لغت عرب، ماخوذ از کلمه شارح می‌باشد و آن خداوند مصدر و منشا شرع اسلام است و بیانش خواهد آمد. معنای سوم؛ به صورت خاصی اطلاق می‌شود، به قواعد معاملات الزامی عمومی به طور نمونه مجلس شورای ملی، قانونی جهت جلوگیری از احتکار، قانون به معنی اخیر به معاملات اختصاص دارد و شامل عبادات نمی‌گردد. به خلاف قوانین فقه اسلامی که هم در دین و هم در داد رسی بحث می‌کند و قانون در این معنی دارای ضمانت اجرایی است و الزامی بودن آن مستند به تنفیذ حکومت است و عمومیت دارد و نسبت به قضیه یا شخص معینی وضع

ادامه دارد

وزیر عدلیه با رییس موسسه بین المللی صدای جینوا در افغانستان دیدار کرد

گزارشگر: بشیراحمد عزیزی



تنفیذ جبری فیصله های محاکم

تتبع ونگارش: محمد عارف «صبح»

قبل از همه دانستن این موضوع لازمی است که مطابق به احکام قانون طرز تحصیل حقوق یکی از شیوه های تحصیل دین اقرار و قبول حق عارض توسط معروض علیه در اداره حقوق بوده زمانیکه معروض علیه در برابر حق معروض علیه انکار وبه آن قناعت ننماید، در اینصورت اداره حقوق حسب احوال طرفین را وفق هدایت ماده (۲۲) این قانون که چنین مشعر است.

(۱) اداره حقوق حین مراجعه عارض و معروض علیه وقبل از ارجاع قضیه به محکمه، قضیه را بررسی نموده، در صورت عدم قناعت، طرفین را به مصالحه دعوت می نماید.

(۲) هرگاه قضیه با رعایت احکام سایر قوانین از طریق مصالحه حل و فصل شود، طرفین ورق اصلاحی را امضاء یا نشان انگشت گذاشته وبعد از تأیید عضو مسلکی اداره حقوق و ملاحظه شد مسوول دفتر مربوط ثبت می گردد در این صورت مدیون مکلف است دوفیصد محصول حقوق را طبق احکام این قانون تحویل بانک نماید.

(۳) هرگاه قضیه از طریق مصالحه یا میانجیگری حل و فصل شده نتواند، عریضه با اسناد منضمه آن به محکمه دیصلاح احاله می گردد.

در اینصورت قضیه مراحل قضائی خود را طی نموده وباکسب قطعیت توسط اداره حقوق در معرض تطبیق وتنفیذ قرار میگیرد ازاینرو بحث به این است که کدام فیصله ها قابلیت تطبیق وتنفیذ را دارند؟

۱- فیصله های که طور قطعی صادر گردیده باشد.
۲- فیصله های که طور قطعی و نهائی از طرف محاکم دیصلاح صادر گردیده باشد.

در اینصورت فیصله های قطعی کدام ها اند؟

اول: فیصله های قطعی: مطابق به ماده (۲۶۶) قانون اصول محاکمات مدنی فیصله های محاکم در حالات ذیل کسب قطعیت میکنند.

انقضای میعاد شکایت بدون عذرقانونی.
تقدیم شکایت یا اعتراض به محکمه فوقانی در صورتیکه با رسیده گی قضیه در محکمه فوقانی فیصله نقض نشود.

حکم قطعی عبارت از حکمی است که نهائی شده باشد یا موارد استیناف و تمیز طلبی در آن وجود نداشته باشد ویا میعاد مرافعه وتمیز آن قانوناً منقضی شده باشد.

دوم: فیصله های نهائی و قطعی: قسمیکه میدانیم یک حکم ویا فیصله زمانی نهائی میگردد که دوره محاکم ختم شده باشد یعنی محکمه ابتدائیه، مرافعه و تمیز حکم صادر نموده باشند که حکم تمیز نهائی و قطعی گفته میشود.

مطابق ماده (۱۲۹) قانون اساسی ماده ۱۴ قانون تشکیل وصلاحیت قوه قضائیه و ماده ۹ و قانون طرزتحصیل حقوق فیصله های ثبیکه طور قطعی و نهائی صادر میگردد قابلیت تنفیذ وتطبیق توسط هیئت مختلط ماده ۴۵ قانون مذکور را درآه بوده وتصامیم مجالس غیر قضائی به استناد ماده ۴۹۰ قانون اصول محاکمات مدنی در قضایای مدنی و حقوق عامه فاقد اعتبار دانسته میشود.

ادامه در صفحه ۳

بین المللی جنگ برای گروه های مسلح غیر دولتی، حفاظت از افراد ملکی در جریان جنگ، حفاظت از مراکز و خدمات عامه و ارایه کمک های بشردوستانه به افراد ملکی، می باشد.

ادامه در صفحه ۳

در دوحه نیز آموزش داده شده تا از سوی فرماندهان شان رعایت شود. به گفته خانم کلارا میکالووا، نرم افزاری درباره چگونگی رعایت قواعد بشردوستانه جنگی در جریان جنگ نیز از سوی این موسسه تهیه شده است. او افزود که هدف اساسی فعالیت های آن ها در افغانستان، ارایه اصول و قواعد

بین المللی جنگ را به گروه های مسلح غیر دولتی آموزش می دهد. وی چگونگی ارایه برنامه های آموزشی در باره قواعد بین المللی جنگ و محافظت از خدمات عامه برای گروه های مسلح غیر دولتی را به وزیر عدلیه توضیح داد و گفت این قواعد به رهبری گروه طالبان

قضاوتپوه فضل احمد معنوی، وزیر عدلیه کشور صبح امروز، سه شنبه مورخ ۱۱ قوس خانم کلارا میکالووا، رییس موسسه بین المللی صدای جینوا در افغانستان را به حضور پذیرفت. خانم کلارا میکالووا در این دیدار با ارایه توضیحات درباره فعالیت های شان گفت که این موسسه قواعد

در تطبیق فیصله های نهایی محاکم و تقویت سیستم ثبت قضایا توجه جدی شود

گزارشگر: بشیراحمد «عزیزی»



آمریت های حقوق ولایات، تطبیق فیصله های نهایی محاکم، تقویت سیستم ثبت قضایا و بازنگری تشکیلات مطابق به نیازمندی این ریاست، توجه جدی کند.

ادامه در صفحه ۳

او با ابراز قدردانی از کارکردهای سرپرست سابق ریاست عمومی حقوق، از رییس جدید این ریاست خواست تا در قسمت هماهنگی و ارتباط بیشتر بین این ریاست و ریاست حقوق کابل و

دکتر زکیه عادل، معین امور اجتماعی وزارت عدلیه هنگام معرفی آقای احمدزی به رؤسا و کارکنان اداره حقوق ضمن تبریکی به وی، ریاست عمومی حقوق را از بخش های کلیدی وزارت عدلیه خواند.

دوشنبه مورخ ۱۰ قوس ۱۳۹۹ امان الله احمدزی که بر اساس حکم ریاست جمهوری به حیث رییس عمومی حقوق وزارت عدلیه تعیین شده، از سوی معین اجتماعی این وزارت به کارمندان معرفی شد.

(ماده ۴۰ قانون اساسی)

تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم صورت می گیرد.